



چرا قضاوت از روی قیافه دیگران غلط از آب در می آید؟

«صورتش داد می زد حقیقت رو»؛ «چشم ها هیچ وقت دروغ نمی گن» براساس این جور کلیشه ها ما فکر می کنیم می توانیم قیافه آدم ها را طوری بخوانیم که انگار «کتاب هایی باز» هستند.

«صورتش داد می زد حقیقت رو»؛ «چشم ها هیچ وقت دروغ نمی گن» براساس این جور کلیشه ها ما فکر می کنیم می توانیم قیافه آدم ها را طوری بخوانیم که انگار «کتاب هایی باز» هستند.

«صورتش داد می زد حقیقت رو»؛ «چشم ها هیچ وقت دروغ نمی گن» براساس این جور کلیشه ها ما فکر می کنیم می توانیم قیافه آدم ها را طوری بخوانیم که انگار «کتاب هایی باز» هستند. واقعیت اما این است که ادعای داشتن چنین مهارتی بیش تر شبیه ادعای رقص یا شعر گفتن است که: مردم معمولا قابلیت های شان را در این دو هنر زیادی جدی می گیرند.

بیش تر ما اگر از شرایط مشخص خبر نداشته باشیم نمی توانیم بین حالت های مختلف صورت فرقی ببینیم. شرکت کنندگان در یک پژوهش در یک چهارم موارد نمی توانستند تشخیص دهند که صورت های موجود در یک سری عکس، درد می کشند یا لذت جنسی می برند. در پژوهشی دیگر، افراد با مشاهده فیلم های صامت یک سری افراد سعی کردند تا حالات آنها را تشخیص دهند. در این آزمایش، بر خلاف انسانها، رایانه 85 درصد موارد را درست تشخیص داد. در ضمن رایانه ها بهتر می توانستند تشخیص دهند که کسی از روی کمی آزرده گی خاطر لبخند می زند یا حقیقتا خوش حال است.

اما اگرچه ما در تشخیص حالت صورت دیگران ناشی هستیم، براساس همین صورت هایی که نتوانستیم بخوانیم شان، فورا به انواع و اقسام نتایج می رسمیم. باور باستانی یونانی ها به چهره خوانی («فیزیوگنومی» یا بررسی شخصیت فرد براساس ویژگی های صورتش) را مسخره می کنیم اما حواس مان نیست که خودمان هر روز همین کار را می کنیم.

پژوهش های جدید نشان می دهد اگرچه عملا هیچ مدرکی نیست که نشان بدهد چهره ها، شخصیت افراد را بازتاب می دهند، اما رفتار ما طوری است که انگار بعضی حالت ها از گرایش های خاصی حکایت می کنند. افرادی که صورت شان نشانه های «زنانه» دارد قابل اعتمادتر به نظر می آیند؛ آنانی که ابروهای پایین تری دارند بیش تر مسلط بر اوضاع به نظر می رسند. در پژوهشی دیگر، افراد پس از تنها 200 میلی ثانیه نگاه به صورتی ناآشنا، آماده بودند تصمیم بگیرند که باید به این شخص اعتماد کنند یا نه. حتی وقتی به آن ها فرصت نگاه طولانی تر هم داده شد، به ندرت نظرشان را عوض کردند.

چنین قضاوت هایی درباره دیگران ممکن است حتی با منطق جور در نیاید. افرادی که «بازی اعتماد» (شبیه سازی «مافیا» رایج در ایران- م) می کردند. از بین دو نفر بیش تر روی آن یکی سرمایه گذاری می کردند که چهره قابل اعتمادتری داشت- حتی اگر هر دو بازیکن مثل هم خوش آوازه بودند. در پژوهشی دیگر گزارش شد که اعضای هیات منصفه برای محکوم شناختن فردی که قیافه ای غیرقابل اعتماد دارد، به شواهد کم تری نیاز دارند. و پژوهش گری که روی دشمنی اسرائیل و فلسطین کار می کرد نشان داد که اگر پیشنهاد صلح از سوی فلسطین با سیاست مداری تداعی شود که «صورت بچه گانه» (چشم های بزرگ و لب های پر) دارد، بیش تر مورد پذیرش اسرائیلی های یهودی قرار می گیرد.

و همین است که ما را به تناقض می رساند. صورت فرد شاید بیان گر طبیعت او نباشد اما پژوهش ها نشان می دهند که بعضی ویژگی های صورت باعث نفوذ بر دیگران می شود. آن دسته از فارغ التحصیلان «دانشکده افسری ارتش آمریکا» که صورت های سلطه جوتری داشتند برای رسیدن به درجه ژنرالی شانس بیش تری داشتند؛ افرادی که از چهره شان به نظر می رسید ماهرند، شانس بیش تری دارند که مدیر کل شرکت های موفق بشوند.

این یافته ها البته با عقل جور در می آید. اگر همه فرض کنند که ظاهر پوست کلفت، فرد قاطعی است احتمال قاطع شدنش هم بیش تر می شود. شاید چون ما با دیگران طوری برخورد می کنیم که انگار صورت شان نشان گر شخصیت شان است، باعث می شویم آن ها به همان کسی بدل شوند که ما می پنداشتیم هستند.

نویسنده: شیوا دلداری

